روزنامه دیواری
پانزدهمین جشنواره بین‌المللی
نمایش عروسکی
تهران - مبارک

سه شنبه - ۲۵ شهریورماه ۱۳۹۳

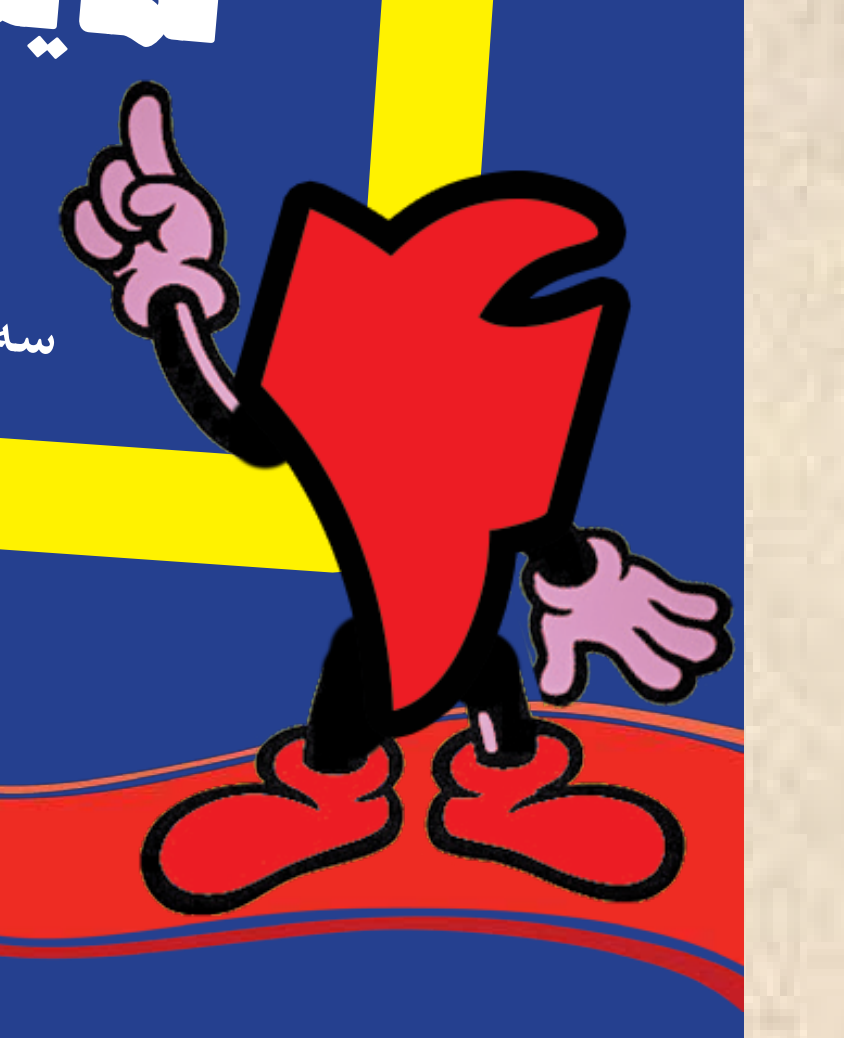

مرکز یونیمای ایران از فعال ترین مراکز منطقه است

ژاک ترودو، دبیرکل یونیما

به همه علاقه‌مندان هنر عروسکی پیشنهاد می‌کنم برای یکبار هم که شده در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران- مبارک شرکت کنند. من این افتخار را داشته‌ام که به عنوان عضو هیأت داوران در این جشنواره حضور داشته باشم و بارها از دیدن توانمندی‌های نمایشگران عروسکی ایرانی شگفت زده شدم. تنوع نمایش‌های خارجی حاضر در جشنواره که با رنگ و بوی مهمان نوازی ایرانی ترکیب شده است لذت‌بخش بود.

بدون شک در صورت حضور در این جشنواره، حال و هوای این جشنواره بی نظیر شما را شگفت زده خواهد کرد. بیشتر نمایش‌های جشنواره در فضاهای فرهنگی و برای طیف وسیعی از تماشاگران مشتاق در سنین مختلف اجرا می شوند؛ نمایش‌هایی که بعضی از آنها از گونه سنتی نمایش عروسکی معروف ایرانیان، مبارک، اقتباس می شوند. حال و هوای این جشنواره برخاسته از عملکرد صدها بازیگر، عروسک گردان و دیگر دست‌اندرکاران جوانی است که زیر نظر اساتید مجرب، در یکی از سه دانشگاه اصلی هنر در تهران آموزش دیده‌اند. شما نیز همچون من پس از مشاهده حضور فعال زنان در همه زمینه های این رشته اعم از کارگردانی، متحیر و شگفت‌زده خواهید شد و به جمع طرفداران این جشنواره و پشتیبانان هنر عروسکی ایران خواهید پیوست.

به عنوان دبیر کل یونیمای جهانی خرسندم از اینکه بگویم مرکز یونیمای ایران یکی از فعال ترین مراکز اجرای فعالیت های متنوع و جذاب در منطقه است.

یادداشت دبیر جشنواره

تماشاگر؛ مهمان ویژه‌ی جشنواره

تئاترشهر روز سوم جشنواره، لبریز از جمعیت بود و مهمانان خارجی جشنواره از دیدن مردم که دورتا دور تئاترشهر جمع شده بودند، هیجان‌زده شده بودند. مهمانان از اسپانیا، چین، صربستان و آلمان، یکی دو روز پیش از راه رسیده بودند. امروز هم نوبت گروه آمریکا بود که به جشنواره آمد. ۱۰ تا دختروپسر جوان، سرحال، با انرژی، کنجکاو و مشتاق برای دیدن ایران. برای من خیلی جالب است که آدم‌هایی از راه‌های خیلی دور و به قول معروف آن سر دنیا به ایران آمده‌اند اما احساس می‌کنی خیلی به آنها نزدیک هستی و سال‌هاست که آنها را می‌شناسی و این چیزی نیست جز جادوی عروسک که آدم‌ها را به هم نزدیک می‌کند.

نمایش تشپ کال به کارگردانی مرجان پورغلامحسین درسالنی اجرا شد که ۵۰ صندلی دارد و همه بلیت‌هایش هم از قبل فروخته شده بود، اما بالغ بر صد نفر از مهمانان جشنواره از جمله گروه‌های آمریکا، صربستان و چین و مهمانان ویژه هم برای تماشای این نمایش آمده بودند و دیگر حتی برای ایستادن هم جا نبود. با دیدن این صحنه به یاد ماجرایی افتادم که در دانمارک شاهدش بودم؛ در یک جشنواره با دوستان برای دیدن یک نمایش به سالنی رفته بودیم اما به ما اجازه ورود ندادند و خیلی راحت به ما گفتند با اینکه شما کارت جشنواره دارید ومهمان ویژه جشنواره هستید اما اولویت با تماشاگرانی است که بلیت خریده‌اند. ویژه‌تر از شما تماشاگر است و او که بلیت خریده حق دارد بنشیند و نمایش را ببیند. با یادآوری این ماجرا، از صندلی خودم بلند شدم و به بچه‌های آشنا و اعضای گروه‌های دیگر که برای تماشای نمایش آمده بودند گفتم بلند شوید. بچه‌ها هم حرفم را گوش کردند و از سالن بیرون رفتیم و جای‌مان تعدادی از تماشاگرانی که بلیت داشتند و بیرون مانده بودند، آمدند و نمایش را دیدند.

امروز همان آقایی که دیروز درباره‌اش گفتم پیش من آمد و گفت اسم من حاجی‌لو است نه حاجی زاده. راستش دیشب خیلی خسته بودم و اسم این مرد محترم را به اشتباه نوشتم اما امروز به غیر از آقای حاجی‌لوی عزیز، بقیه کارکنان تئاترشهر را هم از نزدیک دیدم که با انگیزه کارشان را انجام می‌دادند. آنها هم از حضور پر شور و شوق مردم هیجان‌زده بودند و چیزی که باعث خوشحالی و دلگرمی بیشتر من شد این بود که مردم از سالن‌ها راضی بیرون می آمدند و به من می گفتند کیفیت جشنواره امسال و سطح کارها خیلی خوب است.

در این سه روز کارهای جذابی اجرا شدند و روزبه‌روز هم کارها جذاب‌تر می‌شوند. خیلی هم دلم سوخت که «ناگهان کفتری» را نتوانستم ببینم. البته هنگام بازبینی و تمرین چند دقیقه‌ای از کار را دیده بودم و دلم می‌خواست آن را تماشا کنم. شاید برایشان پارتی‌بازی کنم تا یک اجرا در تئاتر شهر داشته باشند. «ناگهان کفتری» ازکارهای بومی و ایرانی جشنواره است و من کارهای بومی ایرانی را خیلی دوست دارم.

یک اتفاق جالب هم این بود که گروه آمریکا درباره من در اینترنت جست‌وجو کرده و فهمیده بودند که دبیر جشنواره امسال، فیلم‌ساز هم هست و همین الان فیلمش در سینماها در حال اکران است و از راهنمایشان خواسته بودند که آنها را به دیدن «شهر موش‌ها» ببرد. خبرهم رسید که آنجا با تماشاگران ایرانی دست می‌زنند و شلوغ می‌کنند!

مرضیه برومند

گپی با یک هنرمند

کار کودک یک برنامه درازمدت برای فرهنگ‌سازی و نسل‌سازی است

امیرحسین صدیق بازیگر

امیر حسین صدیق متولد ۱۳۵۱ است و سال‌ها با بازی در کارهای خانم برومند و دیگر فعالیت‌هایی که در کارنامه دارد، درخشیده است.

ما سابقه و فرهنگ کار عروسکی را در کشور خود داریم و هم تراز کشورهای اروپایی کار می کردیم، اما در سال های اخیر متاسفانه کمی تنبل شدیم و کیفیت کارها افت کرد و به نظرم دلیل این مساله این است که ارتباط مان را با جهان خارج از دست داده بودیم ولی هنوز هم هنرمندان نمایش عروسکی در حال کار هستند و باید این کار جدی گرفته شود، چون نه تنها کار عروسکی بلکه نگاه به کار کودک در کشور ما نگاه کودکانه است در صورتی که کار کودک جدی تر و مهم تر از کار بزرگسال است، چون همین بزرگسالانی که الان مشغول کار هستند، زمانی کودک بودند و تحت تاثیر برنامه‌های ویژه خود. در حقیقت نمایش عروسکی و به طور کل نمایش برای کودکان یک برنامه ریزی برای آینده و کار کودک یک برنامه درازمدت برای فرهنگ‌سازی و نسل سازی است. ما در دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ کارهای کودک چه به صورت نمایش تئاتر و چه به صورت فیلم و سریال در سینما و تلویزیون داشتیم اما بعد از این زمان ضعف مدیریتی و هم چنین وارد شدن مفاهیم سفارشی و شعاری به کار باعث شد که این نوع نمایش ضعیف شود و در این زمان بود که مسئولان برای اینکه این خلا به وجود آمده را پر کنند پناه بردند به کارتون های خارجی (که البته دیدن کارتون های خارجی بد نیست) اما زمانی که ما هیچ مابه ازایی نداشته باشیم و کودک فقط کارتون های آن ها را نگاه کند دچار دو گانگی فرهنگی می شود. عروسک به شدت برای تماشاچی کودک جذاب است، البته کارهای عروسکی کارهای خیلی بزرگی هستند و فقط مخصوص کودکان نیستند در تمام دنیا کارهای مفهومی و سنگین را با عروسک نمایش می دهند اما در رابطه با کار کودک عروسک ابزاری است که می تواند کودک را جذب کند تا کار را نگاه کند.

از مسئولان انتظار می رود که در این رابطه برنامه ریزی و از هنرمندان حمایت کنند.

تلاش و مبارزه!

زهرا صبری کارگردان

زهرا صبری کارگردان شناخته شده نمایش عروسکی است که در پانزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران-مبارک در شورای انتخاب آثار عضویت دارد.

حال‌وهوای جشنواره را بسیار خوب می‌بینم و دلیل آن هم مشهود است. به هر طرف که نگاه می‌کنید جز شور و هیجان نمی‌بینید. من در مدت ۲۰ سال کار جشنواره‌ای تا به حال چنین هیجانی را ندیده بودم و به نظرم این به خاطر مبارزه‌ای است که خانم برومند برای یک جشنواره دیرهنگام کردند و بچه‌های نمایش عروسکی را از سرگردانی نجات دادند. اگر به اتفاق‌هایی که در این جشنواره می‌افتد نگاهی بیندازید متوجه تفاوت آن با دوره‌های قبل خواهید شد. من در دوره قبل با جشنواره قهر بودم و دلیل آن هم ممنوعیتی بود که برای اجرای متن‌های خارجی در نظر گرفته بودند، در صورتی که اکنون محدودیتی وجود ندارد و همه حق انتخاب دارند و از هر نوع متنی در جشنواره کار شده است. امیدوارم که دبیری خانم برومند ادامه داشته باشد.قبلا با خانم برومند کار نکرده بودم، ولی وقتی سریال‌های ایشان را می‌دیدم نتیجه کار برایم بسیار لذت‌بخش بود، چراکه کارهای ایشان همیشه بسیار منظم و منسجم بود و اکنون در جشنواره هم همین اتفاق می‌افتد. با پیگیری‌های ایشان سیستم تهویه اداره تئاتر به راه افتاد و فرهنگسراها به‌خصوص فرهنگسرای بهاران فعال شدند و حتی در جریان هستم که برای تعدادی از گروه‌ها از طرف جشنواره محل تمرین اجاره شد. اطرافیان ایشان هم بسیار پیگیر هر چه بهتر برگزار شدن جشنواره بودند.

در این جشنواره، همه نهایت تلاش خود را انجام داده‌اند و فکر می‌کنم این خیلی مهم است، چون نتیجه بازتاب همین تلاش خواهد بود. حضور کارگردانانی که آثارشان در جشنواره رد شده یک محبت است و یادآوری درگذشتگان بزرگ تئاتر عروسکی و همچنین طراحی پوستر جشنواره با اعتماد خانم برومند توسط یکی از خوبان نمایش عروسکی از نکات مثبت جشنواره پانزدهم است. ستاد جشنواره هم که تبدیل به پناهگاهی برای بچه‌های تئاتر عروسکی شده است از دیگر ویژگی‌های این جشنواره به شمار می رود. سطح کیفی آثار جشنواره هم با توجه به محدودیت زمان بسیار خوب است و از هر طیفی و با تکنیک‌های مختلف شاهد کارهای آبرومندی هستیم.

همین که هستیم خوب است

هادی حسنعلی متولد ۱۳۶۱ است و تجربه بازیگری و عروسک‌گردانی را در کارنامه خود دارد. او امسال با نوشتن نمایشنامه جادوگر کوچولو به پانزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی آمده و به این بهانه با او گپ و گفتی داشتیم.

هادی حسنعلی
نویسنده نمایش جادوگر کوچولو

? متنی که کار می‌شود برای چه زمانی است؟
رمانی به قلم آقای پرویسلر نوشته شده که در ایران دو بار به دست خانم سپیده خلیلی و آقای محمد همتی ترجمه شده است که من اقتباسی از آن را نوشته‌ام.

? دغدغه اصلی متن چیست؟
ماجرای پسر کوچکی است که خیلی علاقه دارد به شب جشنی که همه جادوگرهای دنیا دور هم جمعند برود اما ورود کودکان قدغن است و هرچه قدر تلاش می‌کند نمی‌تواند وارد شود. تنبیه می‌شود و یک سال بهش وقت داده می‌شود تا تمرین کند و جادوگر خوبی شود. بعد از یک سال کارهایی که انجام می‌دهد بیشتر به نفع مردم است و به مردم خیلی کمک می‌کند و از طرف جادوگران توبیخ می‌شود. او همه کتاب‌های جادوگران را به مردم می‌دهد و به این ترتیب عمر جادوگری به پایان می‌رسد. یعنی به نوعی استبداد ستیزی، خود نویسنده هم یک یادداشت دارد که می‌گوید: «شبی فرزندانم نمی‌خوابیدند و من از آنها پرسیدم چرا نمی‌خوابید گفتند ما از جادوگرها می‌ترسیم، من به آنها گفتم نباید بترسید، چون دیگر جادوگرها وجود ندارند و این بهانه‌ای شد تا رمانی را با این مضمون بنویسم.»

? تعامل‌تان با کارگردان چطور بود؟
خیلی خوب بود. اتفاقا من در این کار بازی هم می‌کنم. ما گروهی هستیم که همیشه با هم کار کرده‌ایم و در جشنواره‌های قبل هم بوده‌ایم. معمولا این‌گونه است که من می‌نویسم و کارگردان صحنه به صحنه اتود می‌زند، به همین خاطر نمایشی که اجرا می‌شود بسیار به متن نزدیک است. با این حال من هنوز مطمئن نیستم که همه چیز ایده‌آل باشد، ما وقت بسیار کمی برای تمرین داشتیم اما حس می‌کنم با صددرصد آمادگی حاضر نباشیم، باوجود اینکه همه چیز برایمان حاضر است.

? جشنواره امسال را چطور می‌بینید؟
حضور خانم برومند به ما انگیزه داد اما می‌دانم که با محدودیت‌های مالی زیادی روبه‌رو بودند و همین محدودیت‌های مالی یکسری نگرانی‌هایی ایجاد کرد. به هر حال همین که هستیم خوب است.

عکس: نازنین محمودی

با آرزوی آشتی لبخند
با لب‌های کودکان دنیا

حاشیه
روز سوم

استقبال از اجراهای محیطی در روز سوم بسیار قابل توجه بود. سالن‌ها هم پر بودند و بلیت‌ها به طور کامل فروش رفته بود. این استقبال در طول سال‌ها در تئاتر شهر بی نظیر بوده است.

برنامه «دیالوگ» به سردبیری و اجرای ایوب آقاخانی با دعوت از مسئولان و هنرمندان عرصه تئاتر عروسکی، هر شب به صورت زنده پخش می‌شود. این برنامه رادیویی با گویندگی شیرین سپهراد، بابک احمدی و علی جعفری ساعت ۲۱ از رادیو نمایش پخش می‌شود. این برنامه از شنبه، ۲۲ شهریور ماه به پانزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران مبارک پرداخته و تا پایان این جشنواره نیز با استقرار در تئاتر شهر به پخشش ادامه می‌دهد.

گفت و گو

لحظه‌ها باید عروسکی باشند

برای فریبا دلیری عروسک به دست گرفتن مهم نیست. او بیشتر از هرچیز به خلق لحظه‌های عروسکی فکر می‌کند. می‌خواهد جارو و کتاب جادوگرها را بسوزاند تا عشق ورزیدن را به کودکان امروز یاد بدهد.

? «جادوگر کوچولو» می‌خواهد چه بگوید؟
جادوگر کوچولو از مهربانی و دوست‌داشتن حرف می‌زند. به‌شخصه معتقدم عشق ورزیدن نیز باید آموزش داده شود. آنهایی که امروز نمی‌توانند دیگران را دوست بدارند، برای این است که در کودکی کسی محبت کردن را یادشان نداده است. اگر به بچه‌هایمان «دوست داشتن» را یاد بدهیم، جامعه فردا خودبه‌خود به سمت صلح خواهد رفت. جادوگر کوچولو با اینکه خودش هم یک جادوگر است، در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد. برایش این سوال پیش می‌آید که یک جادوگر خوب بودن چه‌جوری است. بعد می‌فهمد انجام کارهای خوب چقدر لذت‌بخش است. وقتی هم که از طرف جادوگرهای دیگر به خاطر انجام کار خوب توبیخ می‌شود، برای از بین بردن بدی، همه جاروها و کتاب‌های جادو، حتی جارو و کتاب خودش را آتش می‌زند.

? ایده «جادوگر کوچولو» از کی جرقه خورد؟
ما گروهی داریم به نام «چالیک» که به معنای بازی‌دهنده است. همه گروه دور هم می‌نشینیم تا به این نتیجه برسیم که کدام متن قابلیت اجرا روی صحنه را دارد. روی چند متن کار می‌کنیم و در نهایت انتخاب. «جادوگر کوچولو» از روی یک قصه آلمانی به همین نام نوشته شده است. هادی حسنعلی که کار قبلی گروه را نیز نوشته بود، شروع کرد به نوشتن این متن. نوشته‌هایش را می‌آورد سر تمرین و بچه‌ها اتود می‌زدند. کار گروه ما همواره به همین شکل بوده است. یعنی متن سر تمرین نوشته می‌شود. در کار قبلی‌مان «آوای تار» نیز همین روال را داشتیم.

? برای به اجرا رساندن یک متن نمایشی چه معیاری دارید؟
به نظرم جامعه ما و همه جوامع برای تبدیل شدن به یک جامعه خوب نیاز به آموزش دارد. همه چیز از دوران کودکی شروع می‌شود و تئاتر بهترین رسانه برای آموزش کودکانی است که جامعه فردا را تشکیل می‌دهند. در نمایش‌هایی که به صحنه می‌برم قبل از هرچیز برایم مهم است تا بدانم نسل جدید چه می‌پسندد. چرا که این نسل تازه باهوش‌تر و حساس‌تر و دقیق‌تر است. اوست که باید از اثر لذت ببرد و با آن ارتباط برقرار کند.

? مهم‌ترین وجه یک تئاتر عروسکی چیست؟
مهم‌ترین چیز در یک تئاتر عروسکی، خلق لحظه‌های عروسکی است. این بار که در جشنواره شرکت می‌کنم برخلاف عده‌ای که فکر می‌کنند عروسک به دست گرفتن در صحنه یعنی تئاتر عروسکی، روی خلق لحظه‌های عروسکی وقت گذاشتم. حقیقت این است که ما عروسکی‌ها حتی بین‌خودمان هم جدی گرفته نمی‌شویم، در حالی که ما نیز یکی از اصناف تئاتر هستیم.

? نظرتان در مورد مبارک امسال چیست؟
جشنواره‌ها همیشه اشکالاتی دارند و این اشکالات همیشه درحال تکرار است. در انتهای جشنواره همه امیدوارند تا دوره‌های بعد مشکلی وجود نداشته باشد، اما انگار قرار نیست اتفاقی بیفتد. حسنی که مبارک امسال دارد این است که مرضیه برومند با شجاعتی قابل ستایش وارد جشنواره شد و به خوبی آن را اداره می‌کند. امیدوارم دبیری دوره بعد را هم بپذیرد. راستش افتتاحیه جشنواره امسال از نخستین گردهمایی‌هایی بود که همه عروسکی‌ها و حتی مردم را می‌شد در آن شاد دید.

یادداشت

ما و تئاتر عروسکی (۴)

عروسک‌ها به خیابان می‌آیند!

منوچهر اکبرلو مدرس دانشگاه، نویسنده و منتقد تئاتر

هنرمندان جدی و دغدغه‌مند تئاتر عروسکی، همواره در کنار تکرار آموخته‌ها، در تلاشند پیش بروند. با تمام وجود خواسته‌اند راهی پیدا کنند، بن‌بست‌ها را بشکنند، تغییر دهند و... و همه این تلاش‌ها در جهت ارتباط بیشتر و بهتر با مخاطب صورت گرفته است.

از نظر برخی برداشتن مرز تماشاگر و مخاطب راه نجات بوده است. برخی دیگر، صحنه میدانی را تجویز کرده‌اند، دیگران، عروسک‌هایی در اشکال و اندازه‌های نامتعارف را تبلیغ کرده‌اند و... و همه این بی‌تابی‌ها، برای گریز از محدودیت‌های صحنه جعبه‌ای کلاسیک بوده که هنوز فراگیرترین شکل تئاتر عروسکی است.

در میان همین تلاش‌هاست که گروه‌هایی به خیابان‌ها، میدان‌های عمومی، فروشگاه‌ها، گردشگاه‌ها، اتوبوس‌ها و... رفته‌اند.

اینها با بیان اینکه دنیا تماشاخانه و رفتار اجتماعی، نمایش است و نیز مردم می‌توانند خود بازیگر باشند، همه مباحث کهن ما را در مورد هنر، زیبایی و شکل اجرا به چالش کشیده‌اند. و این نوعی بازگشت است به سنت نمایشگران عروسکی دوره‌گرد که به ناچار یا از روی تدبیری آگاهانه، بساط نمایش عروسکی را در کوی و برزن گسترانده بودند.

این‌گونه است که مرز میان هنر و زندگی از میان برمی‌خیزد. این چنین است که برخی هنرمندان پیشرو بر این باورند که قاب کشیدن دور بخشی از زندگی و آن را به این وسیله برای هنر مناسب دانستن، فریبکارانه است. تئاتر عروسکی در آرزوی مرحله‌ای است که در آن، همه تماشاگران به شکل و رنگ و بافت و زیبایی یک تئاتر عروسکی غنا ببخشند.

برای رسیدن به این مرحله، نمایشگر عروسکی باید باور داشته باشد که هرجا مردم باشند، هنر نیز هست.

بله! دیدگاهی آرمان‌گرایانه است. اما مگر هنر، در ذات خود آرمانگرا نیست؟! در آرمانی‌ترین حالت، مفهوم کلی «تماشاگر» (به معنای کسی که فقط و فقط ناظر اجراست) مطلوب نیست. مردمی که ساعتی به تماشای یک تئاتر عروسکی ایستاده یا نشسته‌اند، اگر نتوانند در اجرا به‌صورت فعال درگیر شوند، پس در حقیقت دارند چه می‌کنند؟!

تئاتر خیابانی عروسکی، سفره دل گشوده هنرمندان تئاتر بر کناره خیابان و کوی و برزن است. هنری متعالی و اصلاح‌گرا که همواره بازتاب خوشی‌ها و ناخوشی‌های مردم بوده است. این تئاتر می‌کوشد مردم را دور از سالن‌های نمایش و در حال گذر از گردهم آورد تا در کنار هم بایستند و شاهد تعامل هنرمندان با خود باشند. تعاملی دوسویه. می‌آیند تا بمانند، لبخندی بزنند، پاسخگوی پرسشی باشند، پیشنهادی بدهند و خود نیز به بازیگران صحنه تبدیل شوند.

اگر نمایشگران این نوع شریف از تئاتر، برخاسته از محیط دانشگاه باشند که نکویی آن را افزون خواهند ساخت. چراکه دانش‌آموختگان، با کوله‌باری از تعهد اجتماعی و دانش‌آموخته برای خلق آثار هنری، می‌توانند به میان مردم بروند و پیشگام آشتی آنان با هنر متعالی تئاتر باشند. بدیهی است که از دیگرسو، حرکت آنان از دانشگاه به جامعه، مسئولیت آنان را نیز دوچندان می‌سازد. چرا که همه، چشم‌انتظار آفرینش آثاری هستند که از سویی برگرفته از دانش‌های آموخته شده باشد (و در نتیجه پربار، غنی و اصولی) و از سوی دیگر با توجه جدی به مخاطب عام، نیازها و زبان آنان.

تئاتر خیابانی عروسکی عرصه‌ای است مستقل و فعالیت در این عرصه شریف، هیچ‌گاه به معنای مقدمه حضور در تئاتر داخل سالن نیست، این تئاتر، هویت مستقل دارد و در مسیر لذت‌بخشی، سرگرم‌کنندگی و فرهنگ‌سازی، راه و هدف خود را طی می‌کند.

تئاتر خیابانی عروسکی، فقط بیان مسائل روزمره، آن‌گونه که در مطبوعات یا حرف‌های روزمره کوچه و خیابان و بیان می‌شود نیست. تئاتر خیابانی عروسکی این ظرفیت را دارد که به بیان مسائل فلسفی و فکری نیز بپردازد، به شرط آنکه زبان مناسبی برای بیان آنها بیابد.

کمبود جنبه‌های هنری و ظرفیت‌های دیداری و شنیداری و زیبایی‌شناسانه، از موارد قابل توجه آثار حاضر در جشنواره است. تئاتر خیابانی عروسکی باید که فراتر از دیالوگ صرف دو سه نفره و رودررو قرار گرفتن چند عروسک حرکت کند.

طنز نیز نقشی بنیادین در ارتباط تماشاگر عام با تئاتر خیابانی عروسکی ایفا می‌کند و گرچه الزامی نیست، اما نمایشگران تئاتر خیابانی عروسکی به نیکی متوجه تاثیر این عنصر بر جذب مخاطب کوچه و خیابان هستند. البته ناگفته هویداست که از نمایشگران انتظار می‌رود که طنز تئاتر خیابانی عروسکی را مشابه طنز و فکاهی در نمایش‌های انتقادی رسانه‌های صرفا سرگرم‌کننده در نظر نیاورند.

یادداشت

ایجاد بازار کار برای بانوان روستایی ایران

لذت هدیه گرفتن عروسک

افسانه احسانی مدرس دانشگاه و فعال محیط زیست

از سال ۱۳۸۰ در حوزه اکوتوریسم فعالیت می‌کنم. اکوتوریسم سفری مسئولانه به مناطق طبیعی است که از طریق ارتقای کیفیت زندگی مردم بومی به حفاظت محیط‌زیست کمک می‌کند. هنگامی که جوامع شغل‌های جایگزینی به جای استفاده یکسویه از طبیعت داشته باشند اثرات منفی بهره‌برداری از منابع طبیعی کاهش می‌یابد. به این منظور با کمک سازمان‌های بین‌المللی با هدف ایجاد شغل برای جوامع بومی به‌ویژه بانوان از طریق اکوتوریسم فعالیتم جنبه‌های متنوعی به خود گرفت. سال ۸۴ برای تدریس اکوتوریسم به استان خوزستان دعوت شدم. یکی از دانشجوهایم متوجه میزان علاقه‌ام به صنایع‌دستی بومی شد و در انتهای دوره عروسکی که بعدها متوجه شدم عروسک لیلی است به من هدیه داد. از شدت شادی و شعف در پوست خود نمی‌گنجیدم. وقتی این فرد احساس من را از موقع دریافت این هدیه برای مادربزرگش منتقل کرده بود، این بانوی هنرمند گفته بود نخستین‌بار است که کسی از دریافت عروسک من اینقدر خوشحال می‌شود. در طول زمان و با همراهی و مشاوره دوستان و همکارانم در این حوزه تلاش کردیم در هر پروژه‌ای علاوه بر محصولات بومی مورد تعهدمان، بانوان را تشویق کنیم که عروسک‌های دست‌سازی را که روزی مادران برای فرزندان خود می‌ساختند دوباره بسازند. این کار سخت‌تر از تصور ما بوده چراکه بسیاری از مادران و مادربزرگ‌ها ساخت عروسک را فراموش کرده بودند و می‌گفتند خیلی سال است که عروسک نساختیم، الان عروسک‌های پلاستیکی همه جا هست و نوه‌های ما این عروسک‌ها را دوست ندارند. یکی دیگر از مشکلات ما متقاعد کردن مدیران ارشد پروژه‌ها بود که این کار را چندان جدی و مهم نمی‌دانستند و می‌گفتند تولید و عرضه این محصولات به معیشت بانوان روستایی و عشایری کمکی نمی‌کند. از همه مهم‌تر رقابت سخت این عروسک‌های اصیل و با هویت با عروسک‌های کارخانه‌ای است که کاری بس دشوار است. بسیاری از مردم نمی‌توانند بپذیرند که این عروسک‌ها عروسک‌های واقعی هستند؛ عروسک‌هایی که حس دارند، حتی بوی روستای سازنده آن را می‌دهند و تکه‌های لباس‌های آنها و تکه‌ای از عشق آن زن هنرمند و خلاق را با خود به ارمغان می‌آورند. چه چیزی از این ارزشمندتر؟

در حال حاضر با پشتکار تیم موسسه آوای طبیعت پایدار که بخش مهمی از آنها نیروی داوطلب هستند حدود ۳۵۰۰ عروسک بومی تولید شده که حدود ۶۰۰ عدد از این عروسک‌ها به‌صورت موزه‌ای نگهداری می‌شوند و به فروش نرسیده‌اند. این عروسک‌ها نسل اولی است و بسیار بدوی و ساده درست شده‌اند. تاکنون بالغ بر ۱۷۰۰عروسک پارچه‌ای به فروش رسیده است.

پروژه‌های انجام‌شده برای کارآفرینی بانوان روستایی از طریق هنرهای بومی که در آنها عروسک‌های بومی نیز تولید شده‌اند:

- جزیره قشم روستاهای شیب دراز و برکه خلف (با حمایت بخش کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی)
- عشایر استان تهران-روستای سلمان‌آباد (با حمایت گروه بانوان شمال آفریقا و خاورمیانه)
- خراسان جنوبی- روستاهای همت‌آباد، حجت‌آباد، تاجمیر، نازدشت، کسراب (با حمایت پروژه بین‌المللی ترسیب کربن- سازمان ملل متحد و سازمان جنگل‌ها و مراتع)
- روستای الولک- استان قزوین (با حمایت گروه بانوان شمال آفریقا و خاورمیانه)

پروژه‌های در حال آغاز: روستای گل سفید چهارمحال‌وبختیاری

شیوه کار:

این عروسک‌ها غالبا در کارگاه آموزشی توسط گروه بانوان روستایی تولید می‌شود. پس از تولید با برگزاری برنامه‌های آموزشی و نمایشگاه‌های مختلف اهمیت آنها به بازدیدکنندگان در شهرهای مختلف منتقل می‌شود.

کارگاه‌های ساخت عروسک‌های محلی در مراکز آموزشی به‌ویژه کودکان برگزار و با ساخت فیلم طراحی بروشور، لیبل و سایرکالاهای فرهنگی، ارزش این عروسک‌ها تفسیر می‌شود.

تاثیرات مثبت احیای عروسک‌های محلی مناطق:

- ایجاد شغل و درآمدزایی برای بانوان روستایی
- تقویت اعتمادبه‌نفس و خودباوری آنها
- ایجاد شوروشعف در بانوان سازنده عروسک‌ها
- یادآوری ارزش‌های فرهنگی بومی که درحال فراموشی بودند (لالایی‌ها، شعرها، خاطرات و...)
- بیان آرزوها و خواسته‌های بانوان روستایی از طریق داستان عروسک‌ها
- ارتباط میان نسل‌ها- مادربزرگ، مادر، نوه‌ها و انتقال تجارب
- تمرین فعالیت جمعی و جلب مشارکت اعضای خانواده در حین ساخت عروسک

A high level puppet festival providing a unique experience

Message of Secretary General of UNIMA International

I encourage everyone interested in puppetry to assist once in his life to the Teheran International Mobarak Puppet Festival. I had this privilege twice, as jury member, and I was overwhelmed by the discoveries I made within the Iranian puppet companies and artists, by the variety and the professionalism of the international selected performances and especially by the incredible sense of hospitality of the organizers. No doubt that if you go, you will be charmed by the ambiance of this incomparable festival where most of the shows are performed in a great cultural location offering, to an enthusiastic and participating audience of all ages, indoors and outdoors spectacular performances, some of them inspired by their famous traditional puppet called Mobarak. However, the basis of that energetic atmosphere comes from the hundreds of young actors, puppeteers and technicians which have been formed to this particular form of art by great masters in one of the 3 main Teheran universities. Like me, you will be amazed to discover the strong presence of woman in all aspects of the creation process, including direction and like me you will become a real fan of this festival and a promoter of the Iranian puppetry.
As Secretary General of UNIMA International, I›m happy to tell you that the UNIMA Iranian Center is one of the most active with interesting activities in different part of the country.
I wish the best of luck to the organizers and participants for this year›s edition

Jacques Trudeau
Secretary General of UNIMA International

داستان یک عروسک

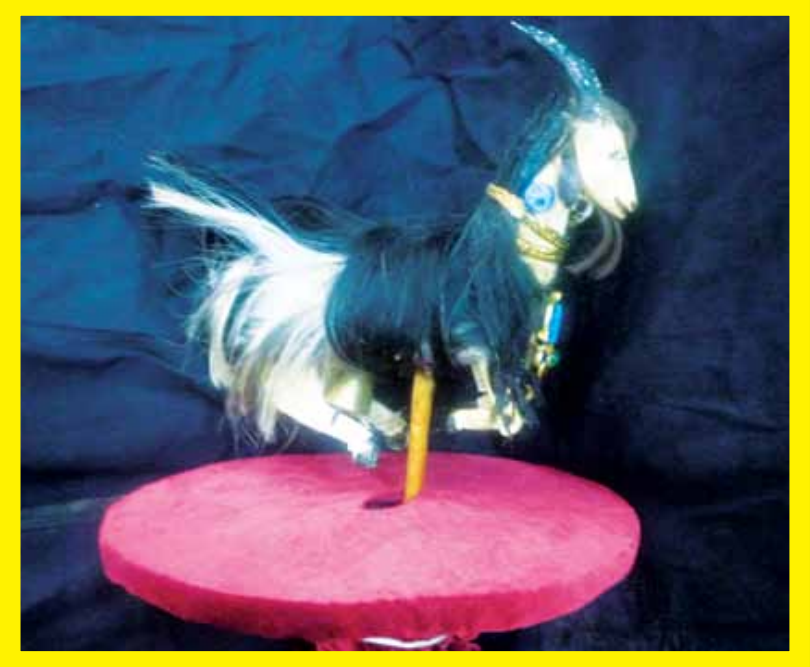

بزی از جنس چوب

مشهورترین بازیگردان این نمایش شخصی به نام محمد بوده که به مرور زمان به «محمد بزی» شهرت یافته است. این نمایش با عروسکی به شکل بز که غالبا از جنس چوب و کمتر قیر ساخته می‌شده، به اجرا درمی‌آمده است. شکل ساختاری این عروسک بزی با بدنه‌چوبی است که به زیر شکم آن میله‌ای به‌صورت عمودی وصل می‌شده و دست و پا و دم عروسک آویزان بوده است. روی یک سطح مربع یا دایره چوبی با ابعاد تقریبی ۲۵×۲۰ به‌گونه‌ای آزاد قرار گرفته است و در وسط این مربع یا دایره سوراخی تعبیه شده و لوله‌ای در زیر آن به‌صورت عمودی قرار می‌گرفته، سپس عروسک بز و دسته آن به‌گونه‌ای روی این سطح قرار می‌گرفته که میله عروسک درون لوله قرار بگیرد و توسط بازیگردان به‌راحتی به چرخش درآید و بالا و پایین شود. این بز چوبی با پارچه‌های رنگارنگ و تزئینات مختلف از جمله زنگوله و مهره‌های آبی‌رنگی به نام «گژک» تزئین می‌شده است. بازیگردان هم به همراه دایره و تنبک اشعاری را می خوانده و با عروسک خود در کوچه ها به راه می افتاده است.

منبع: فرهنگ عروسک‌ها و نمایش های عروسکی آیینی و سنتی ایران ، پویک عظیم‌پور ، انتشارات نمایش

احیای عروسک‌های بومی

عروسک‌هایی با صفات انسانی

پویک عظیم‌پور تبریزی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و پژوهشگر تئاتر عروسکی

عروسک - بازیچه‌های اقوام ایرانی، مانند دیگر اقوام و ملل، برای بازی کودکان و گاه بزرگسالان ساخته می‌شوند. شکل ظاهری بسیار متنوع، لباس، صورت‌سازی، تزئینات و مواد آنها متاثر از فرهنگ اقوام هر منطقه ایران است. در ساخت اغلب عروسک‌ها از آدم با جنسیت‌های مذکر و مونث الگوبرداری شده است، علاوه بر آن، آنها منشا خود را از حکایات می‌گیرند و از این‌رو، حتی اگر در کسوت انسانی نباشند همچنان از صفاتی انسانی برخوردارند. نقش آنها در زندگی انسان و به‌ویژه کودکان، همدمی و ایجاد حس همذات‌پنداری است.

عروسک - بازیچه‌های اقوام یا نام و نشان معینی دارند یا در زیر نامی کلی قرار می‌گیرند. این عروسک‌های زیبا و باهویت پس از ساخته شدن همچون سازندگان‌شان صاحب عمر می‌شوند و در کنار آنها می‌زیند، سخن می‌گویند و عواطف انسانی از خود بروز می‌دهند. اگر چه این اعمال و رفتارها به کمک صاحبان‌شان میسر است، اما در توافقی نامرئی فراموش می‌شود و آنها در اذهان جاندار تلقی می‌شوند، به همین دلیل نسل به نسل حیات خود را حفظ کرده‌اند.

در ساختار درونی هر یک از آنها معانی پنهان و آشکاری نهفته است که گستره وسیعی را دربرمی‌گیرد، مانند تمرین رفتار بزرگان توسط کودکان، مراقبت و پرستاری از موجودی شبیه خود، همرازی و همدمی، تکمیل شخصیت و تصور مقاطع مختلف سنی، کسب ادراک از جنسیت، برکت‌خواهی و خوش‌یمنی.

عروسک - بازیچه‌ها به جز موارد مذکور، در ادراک حس خلقت برای انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند و به عبارتی واسطه‌ای میان انسان و منشا خلقت می‌شوند. به همین دلیل انسان از دوران کودکی بر زنده بودن آنها اصرار می‌ورزد و آنان را در وقایع زندگی خود شریک می‌کند. پرداختن به این عروسک‌ها از دو جهت اهمیت دارد؛ اول برای معرفی و شاید تبلیغ حیات‌شان در ادوار آتی و دوم ایجاد پیوند میان آنها و نمایش‌های عروسکی در وجوه الگوپذیری و اخذ مفاهیم زیبایی‌شناختی.

عروسک بازیچه‌های متعلق به خراسان‌جنوبی، روستای الولک قزوین، روستای سلمان‌آباد ورامین، روستاهای جزیره قشم و... مهمان پانزدهمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران- مبارک هستند. احیا و تولید دوباره این عروسک‌ها محصول تلاش غیور زنان ایرانی به سرپرستی بانوی ارجمند افسانه احسانی است که در کنار پروژه‌هایی همچون هنر و فرهنگ برای حفاظت از محیط‌زیست و در جهت توانمندسازی زنان روستایی به منصه ظهور رسیده‌اند. در تلاشی بی‌نظیر با ترغیب و تشویق مادربزرگ‌ها، مادران و دختران جوان مناطق یاد شده بخش مهمی از فرهنگ کودکی سرزمین‌مان - که سال‌ها به علت تغییر وضعیت زندگی و هجوم تکنولوژی و شیوه‌های جدید و غفلت‌زدگی محصول جامعه تکنولوژیک به خواب رفته بود و می‌رفت که به فراموشی سپرده شود- بیدار شده و شور و شعفی دوباره در جوامع روستایی و وجود آمده است. احیا و زنده کردن این عروسک‌ها نه تنها یادآور ی دوران پاک و زلال و بی‌آلایش کودکی است، بلکه لالایی‌ها، داستان‌ها، لباس‌ها، رسم و رسوم منطقه را دوباره در اذهان مردمان آن سرزمین‌ها زنده کرده است و شاید همین عروسک بازیچه‌های اقوام ایرانی نماد قدرتمندی برای عروسک‌های ملی ایران باشند و سپر بلای هجوم عروسک‌های بی‌هویت بیگانه که هیچ نسبتی با کودکان ارزشمند ایران زمین ندارند. بیایید باورشان کنیم و به استقبال‌شان برویم و به چشم جان ببینیم‌شان و به رازها و قصه‌هایشان گوش جان بسپاریم.

گزارش اکثریت
دیدگاه تماشاگران

رقص وجنگ!

به نظرم نمایش عروسکی «جین جیانگ» یک نمایش بدون قصه است، یا اگر قصه‌ای در کار است مربوط به ابتدای نمایش می‌شود که چند نفر همزمان که عروسک‌ها بالای دیوار پارچه در حال حرکتند وارد صحنه می‌شوند و در مقابل عروسک‌ها حرکات آنها را تقلید می‌کنند. نمایش بیشتر براساس موقعیت‌های رقص و جنگ چینی طراحی و اجرا شده است. شخصیت‌ها ابتدا وارد می‌شوند و با رقص‌های خاص، قصد معرفی خود را دارند و موقعیت بلافاصله از یک جنگ آغاز می‌شود. حرکات بسیار تمیز و ماهرانه اجرا می‌شوند و با لباس‌های پرزرق و برق چینی چشم‌ها را مجذوب می‌کنند؛ رقص با شیرهای بزرگ چینی، موقعیت بازاریان و بازی با کوزه‌هایی که روی سر قرار می‌گیرند از موقعیت‌های این نمایش است که بسیار جالب اجرا شده‌اند.

عشق چاره می‌سازد!

نمایش «بگذار پرنده‌ها بخوانند» را از جهات مختلفی دوست داشتم. نخستین عاملی که در این نمایش مرا مجذوب خود کرد پیامی بود که متن سعی در القای آن داشت. مرگ و عشق به‌عنوان دو پدیده جهان‌شمول که تمام انسان‌ها را در هر جای جهان با خود درگیر کرده است دو فاکتوری هستند که متن با استفاده از آنها سعی می‌کند بگوید که اگر عشقی در کار باشد، آن هم عشق به دیگران و نه عشق به خود، هر کار غیرممکنی امکان تحقق می‌یابد. نکته مثبت این نمایش در استفاده از این دو موضوع این است که همان‌گونه که عشق و مرگ جهان شمول هستند نمایش نیز خود را محدود به جغرافیای خاصی نمی‌کند و برای رساندن پیام خود از تکنیک‌های میله‌ای و سایه‌ای بهره می‌برد. طراحی صحنه نمایش نیز خلاقانه است، البته تعویض صحنه‌ها در مواردی باعث افتادن ریتم نمایش می‌شود.

نشریه روزانه پانزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران – مبارک

سردبیر: افشین صادقی زاده
دبیر تحریریه: الهه حاجی زاده
خبرنگاران: علی رضا کیانی، سوگند نیازمند، پویان فراستی، امیرحسین حسینی، کسری دشتی
مدیر هنری: محمد هاشمی
عکس: رضا معطریان، اختر تاجیک، عبدالرضا نیکو
وب سایت: مژگان طیار
http://www.tehranmobarak.com/fest/bulletin

بین الملل

برخورد از نوع خیلی گرم

در طول جشنواره تنها گروهی که با کشوری دیگر همکاری داشته و به‌صورت مشترک به اجرای نمایش پرداخته‌اند گروهی متشکل از کارگردانان ایرانی و عراقی بوده‌اند و «هیوا» حاصل این همکاری است. صبا مولودی کارگردان کردزبان نمایش هیوا از برخوردهای گرم مردم و حال خوبش می‌گوید.

از سال ۸۴ که وارد دانشگاه شده‌ام به‌صورت نیمه‌حرفه‌ای در نمایش‌های عروسکی به عنوان دستیار کارگردان یا عروسک‌گردان ایفای نقش کرده‌ام و این نخستین بار است که به‌صورت حرفه‌ای و به‌عنوان کارگردان در یک نمایش عروسکی در کنار کارگردانی دیگر حضور دارم.

دلیل عمده همکاری در این کار، کردزبان بودن من است و اینکه در کردستان عراق برای مدتی کارگاهی را برای ساخت عروسک‌های نمایشی در اختیار داشته‌ام و در آنجا به فعالیت عروسک‌سازی مشغول بوده‌ام.

در زمینه امکانات، کاستی‌های فراوانی به چشم می‌خورد و بسیاری از هماهنگی‌هایی که از جانب مسئولان باید انجام می‌شده مورد بی‌توجهی قرار گرفته. از مشکلات دیگر میزان بودجه‌ای است که در اختیار ما قرار داده‌اند و میزان بودجه بعضی از آثار به شکل عجیبی زیاد است و این در حالی است که بعضی دیگر از نمایش‌ها با کمبود بودجه مواجهند.

در زمینه بهبود سطح نمایش‌ها گذشته از اینکه امسال نمایش‌ها در سطحی مطلوب و رضایت‌بخش برگزار شده‌اند، اما به‌طورکلی هنر نمایش از جانب بیننده با سلیقه سنجیده می‌شود و نمی‌توان گفت که نمایشی خوب مطلق یا برعکس بد مطلق است و در هنر یک معیار مطلق وجود ندارد که براساس آن قضاوت کلی راجع به یک نمایش انجام دهیم.

روابط بین کارگردان‌ها بسیار دوستانه است و فکر می‌کنم که هنر عروسک‌گردانی یک هنر دوستانه است. همچنین دیگر کارگردانان ایرانی و مردم ایران رفتاری بسیار گرم و دوستانه دارند به شکلی که همتای عراقی من از برخورد گرم مردم متعجب شده است.

روز چهارم در یک نگاه

کوتاه از نمایش‌های امروز

صحنه ای

ملاقات بانوی سالخورده
نویسنده: فردریک دورنمات
کارگردان: هادی حجازی‌فر
کلر زاخانسیان بانوی ثروتمند قرار است بعد از گذشت سال‌ها به شهر خود برگردد و اهالی آنجا که وضعیت اقتصادی بدی را تجربه می‌کنند امیدوارند از نیکوکاری وی بهره‌مند شوند. کلر زاخانسیان در جوانی با فردی به نام ایل روابط عاشقانه‌ای داشته که فرجام تلخی داشته است و حالا پس از سال‌ها مردم شهر را در چالش عجیبی قرار می‌دهد. خریدن عدالت به نفع خود و کمک به شهر و... او با پیشنهاد قتل ایل به شهر بازگشته در ازای بزرگ‌ترین کمک مالی. مردم به‌شدت مخالفت می‌کنند، اما در نهایت و به مرور زمان نشانه‌هایی ازفروپاشی اخلاق در برابر وسوسه پول نمایان می‌شود و پایه‌های یک تراژدی معاصر بنا می‌شود.

سولوی دماغ
نویسنده: گروهی **کارگردان:** آن کاترین کلت
سولوی دماغ داستان انسان است. شوخ‌طبعانه ما را به خلق دنیای خیالی‌مان دعوت می‌کند. نمایشی دگردیسانه و شاعرانه که جهان را وارونه می‌کند. این نمایش سرشار از تغییر و دگرگونی است و تخیلش هیچ حد و مرزی ندارد. نمایشی موزیکال و دلپذیر از زندگی.

عروسک و نجار
نویسنده و کارگردان: مجید بهرامی‌نژاد
نجاری در کارگاه کوچک نجاری خود مشغول ساخت اشیایی است. نجار با ساخت عروسک وارد دنیای نمایش عاشقانه‌ای می‌شود و خود به‌عنوان سازنده آنها و بازیساز نمایش را شروع می‌کند. شکارچی یکی از عروسک‌های او را می‌رباید و نجار به‌دنبال شکارچی به راه می‌افتد تا این داستان عاشقانه به یک مثلث عشقی تبدیل شود.

جادوگر کوچولو
نویسنده: هادی حسنعلی **کارگردان:** فریبا دلیری
جادوگر کوچولو هر چه سعی می‌کند کارهای جادوگری را به خوبی انجام دهد موفق نمی‌شود و چون سنش کم است سایر جادوگرها او را در جمع خودشان راه نمی‌دهند، ولی رییس جادوگرها به او می‌گوید اگر تا سال آینده بتوانی جادوگر خوبی شوی می‌توانی در جشن ما شرکت کنی جادوگر کوچولو شروع به کارهای خوب می‌کند و به همه کمک می‌کند.

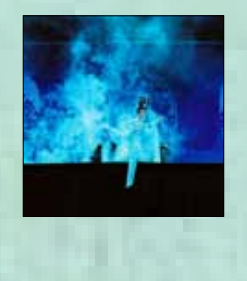

جیانگ ژی
کارگردان: وان هوآنان
نویسندگان: گو هونگمی
وان هوآنان، یانگ ژیائوگیانگ، ژونگ ژیائوگیانگ
مجموعه پنج قطعه نمایشی اپرای پکن
۱- اقتباس از نمایش سنتی پل شکسته
بخشی از اپرای افسانه‌ای مار سفید که ماجرای فریب خوردن بانو بای و شوهرش ژو ژیان توسط فای‌ها را تعریف می‌کند.
۲- عشاق پروانه
اقتباس گروه از داستانی معروف به همین نام است. لیان شامپو نمی‌تواند با ژو ییگتای ازدواج کند و از این ماجرا خشمگین است.
۳- تغییر چهره عروسک‌ها
یکی از معروف‌ترین قطعات اپرای سیچوان که با عروسک‌ها اجرا می‌شود.
۴- غرفه گل صدتومنی
این قطعه براساس اپرای غرفه گل صدتومنی کونقو است.
۵- رقص ظروف چینی
چینی لعابی آبی و سفید یکی از هنرهای زیبا و مسحورکننده چین و خاور دور است. در این نمایش مواد آبی و سفید چینی ساخته شده در روستای جینگده و همراهی سازهای مخصوص ساخته شده از چینی، تصاویری سحرانگیز به وجود می‌آورند.

نام نمایش: هیوا
نویسنده: نعیم بذرکار **کارگردان:** صبا مولودی

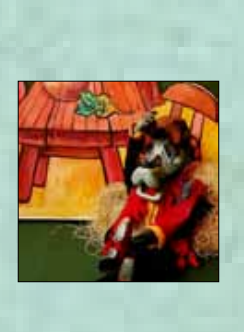

داستان یک گرگ
کارگردان: نونه جرباشیان **نمایشنامه نویس:** نونه جرباشیان
داستان درباره گرگی غمگین، تنها، بدشانس و گرسنه است که در جنگل سرگردان است و شکاری به دست نمی‌آورد. او با گربه به خدا می‌گوید که او گرگ بدی نیست و تقاضای شکار می‌کند.
سپس در جنگل با شنل قرمزی، بز و سه بچه خوک مواجه می‌شود، ولی از آن جایی که گرگی بدجنس و بدشانس است موفق نمی‌شود آنها را بخورد. خوک‌ها به او پیشنهاد می‌کنند که هویج و کاهو بخورد تا با صلح در کنار همدیگر زندگی کنند. در انتها گرگ تنبیه می‌شود و دوباره تنها و گرسنه می‌شود.

فضای باز

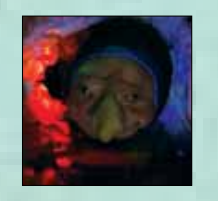

جعبه جادویی
نویسنده و کارگردان: مریم شوقی
داستان کوتاهی در داخل جعبه کوچکی به نمایش درمی‌آید و فقط یک تماشاچی می‌تواند آن را ببیند. این نمایش ارتباط مستقیم با تماشاچی دارد و بسیار کوتاه است و در عرض چند دقیقه به پایان می‌رسد.

کاسه اشکنک
نویسنده و کارگردان: پری بارانی
کودکان روستاهای اطراف ملایر با در دست داشتن کاسه‌هایی خالی به نشانه شکم خالی به در خانه‌های دیگر مردمان روستا رفته و کاسه را پر از آذوقه و خوراکی می‌کردند و برای فقرا می‌آوردند و سر آخر کاسه‌های خالی را می‌شکستند و به رقص مشغول می‌شدند.

مبارک و نسل جدید
نویسنده و کارگردان: رضا بهرامی
نقالی در حال نقل است که مبارک را در کیسه خود می‌بینند. مبارک از نقال که روزی بابای خیمه بوده گله می‌کند که چرا خیمه را رها کرده و مشغول نقالی شده.

خیمه شب بازی سنتی
کارگردان: مرتضی شیخ‌احمدخمسه‌ای
در ابتدا با آمدن مبارک و شوخی‌هایش با مرشد برنامه حالت طنز به خود می‌گیرد. افرادی که در بارگاه سلیم‌خان مشغول فعالیت هستند به جلوی خیمه می‌آیند و صحنه را تمیز می‌کنند و خبر از آمدن سلیم‌خان می‌دهند.

روبی
نویسنده و کارگردان: امیرحسین شفیعی
روباهی از طرف حیوانات جنگل ماموریت پیدا می‌کند تا با آمدن به شهر نظم زندگی شهری را برهم زند و در برابر آسیب‌هایی که انسان‌ها به طبیعت وارد می‌کنند مقابله به مثل کند. او درگیر ماجراهایی تازه در شهر می‌شود و...

شیری که نوشتن نمی‌دانست
کارگردان: عبدالحق حق‌جو
نمایشنامه‌نویس: مارتین بالت شایت
شیر نوشتن نمی‌دانست ولی باید نامه‌ای می‌نوشت. پس از بقیه حیوانات کمک می‌خواهد، حیوانات جنگل هرکدام ایده‌ای دارند، اما آیا آنها می‌توانند به شیر کمک کنند؟

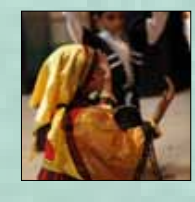

اد
نویسنده و کارگردان: مهدی صالحیار
براساس افسانه‌ای فولکلوریک در رابطه با پیدایش جشن چهارشنبه‌سوری است. دختری نگهبان آتشکده است، اما با هجوم دشمنان بیگانه به آن سرزمین، آتشکده خاموش می‌شود. دختر وارد خاکستر آتش می‌شود و اژدهایی از آتش سربرمی‌آورد تا بر دشمنان چیره شود.

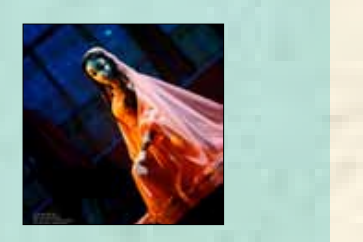

اپرای لیلی و مجنون
کارگردان: بهروز غریب‌پور
لیلی و مجنون، دختر و پسری نابالغ هستند که در مکتب‌خانه به یکدیگر دل می‌بندند. خواستگاری خانواده پسر به نتیجه نمی‌رسد و حتی به جنگ قبیله‌ای می‌انجامد. جنگی که مجنون در آن طرف دشمن (طایفه عروس) را می‌گیرد. لیلی را به مرد مالداری شوهر می‌دهند...

جین جیانگ
نویسندگان: لین جینگرو، چن دایگونگ، یو تیانژیانگ، لی بوفن
کارگردانان: وانگ شیاوشین، هونگ شیجیان
مجموعه‌ای است از چهار قطعه کوتاه نمایشی.
۱- چهار ژنرال روی صحنه، چهار سرباز پرچم‌دار چهار ژنرال هستند، پرچم‌هایی با تصویر ببر، این سنتی برای تطهیر است. ۲- گردش مرد جوان؛ ترکیبی هنرمندانه از نمایش دلقکی و نمایش عروسکی دستکشی دلقکی است. ۳- جنگ ووسانگ و ببر؛ این قطعه، نمایشی بی‌کلام است. در این نمایش شاهد هنرنمایی با کمربندهای رنگی، پرواز دیسک، بازی با توپ، رقص شیر و... خواهید بود. ۴- عمارت دامینگ، هنگامی که ووسانگ از دهکده عبور می‌کند، در مهمانخانه‌ای زیاده از حد نوشیدنی می‌خورد. خدمتکار به او می‌گوید ببری در تپه‌های جینگیانگ زندگی می‌کند و عبور از آنجا در شب کار خطرناکی است، اما ووسانگ به حرف‌های او گوش نمی‌دهد.

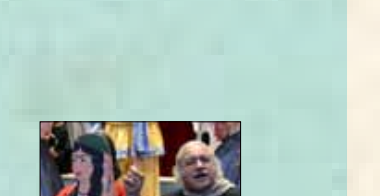

زال و سیمرغ
نویسنده و کارگردان: رسول نجفیان
داستان زال و سیمرغ یکی از افسانه‌هایی است که فردوسی حکیم آن را علیه نژاد پرستی سروده است. سام، پهلوان و یل نامی ایران فرزندی ندارد و سخت نگران آینده تخت و بخت خویش است.

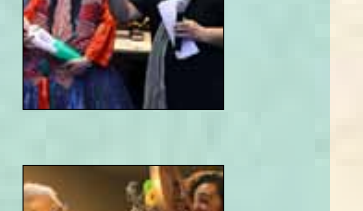

در مضرات رام نکردن زن سرکش
نویسنده: افسانه زمانی، سجاد افشاریان
طراح و کارگردان: افسانه زمانی
براساس نمایشنامه «مضرات دخانیات» نوشته آنتوان چخوف

اندر حکایت ناکامی ببری خان
کارگردان: سلما محسنی اردهالی، سینا ییلاق‌بیگی
نویسنده: نوشین تبریزی
اندر حکایت ناکامی ببری خان در ولایتعهدی شاهی که سرخپوش بود اما کسی نمی‌دانست!
روایت بخشی از ماجراهای عهد ناصری از نگاه ببری‌خان، گربه ناصرالدین شاه...

نمایش‌های صحنه‌ای

مرزها را می‌شکنیم پس هستیم

مجید بهرامی‌نژاد- کارگردان نمایش «عروسک نجار»

مجید بهرامی‌نژاد کارگردان نمایش عروسک نجار در این دوره از جشنواره تئاتر عروسکی حضور دارد.

خیلی از مرزها را می‌توان با کار عروسکی شکست و خیلی از فانتزی‌های ذهنی را به صحنه آورد. کار عروسکی ساختار خاصی دارد و می توان نمایش‌هایی را با کار کرد که در قالب رئالیستی نمی‌گنجد. خیال‌پردازی من در کودکی خیلی زیاد بوده است و عروسک به رویاپردازی من کمک می‌کند و می‌توانم آرزوهایی را که دارم در قالب عروسک پیاده کنم.

توانایی‌های تئاتر ایران خیلی بالاست. من در ورک‌شاپ آلمان از یک آلمانی شنیدم که گفت معجزه تئاتر را در اپرای لیلی و مجنون استاد غریب‌پور دیده است. باید به بچه‌های عروسکی فضا بدهند تا آنها بتوانند خوب کار کنند. در حقیقت در ایران شرایط فراهم نیست، اما استعدادها بالاست.

عروسکی‌های قوی

افسانه زمانی - کارگردان «مضرات رام نکردن زن سرکش»

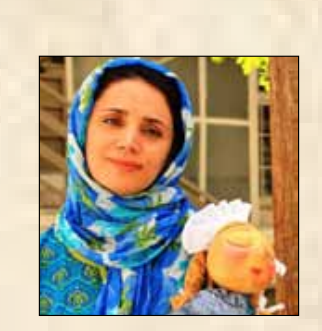

افسانه زمانی متولد سال ۱۳۵۰ و دارای مدرک کارشناسی نمایش عروسکی از دانشگاه هنرهای زیبای تهران است. از کارهای او می‌توان به «چاله» و «دختران باغ‌های قالی» اشاره کرد. او در این جشنواره نمایش «مضرات رام نکردن زن سرکش» را به روی صحنه می‌برد.

عروسک نقش تربیتی و آموزشی در زندگی همه افراد دارد. در زمینه کاری من عروسک‌ها امکانات نامحدودی را برای به تصویر کشیدن تخیلات در اختیار من می‌گذارند و من به‌طور کلی علاقه اصلی‌ام نمایش عروسکی است. به این خاطر که امکاناتی نظر تخیل و فانتزی را می‌توانی در نمایش عروسکی پیدا کنی.

ما از لحاظ کیفیت با خیلی از کشورها برابری می‌کنیم، اما به لحاظ کمیت فقط شاهد این هستیم که کارها در جشنواره اجرا می‌شود و همین تعداد کم برای اجرای عمومی با مشکل مواجه می‌شوند. درکل کارهای بچه‌های ایرانی از لحاظ ایده و کیفیت بسیار قوی است.

یک تصویر خیال‌انگیز واضح

سینا ییلاق‌بیگی- کارگردان «اندر حکایت ناکامی ببری خان»

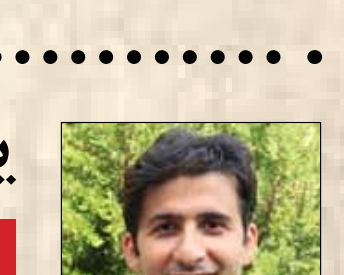

سینا ییلاق‌بیگی دارای مدرک کارشناسی ارشد تئاتر است که از تجربه‌های قبلی او می‌توان به طراحی صحنه «دلخون» و «شب بیرون» اشاره کرد. او در این جشنواره با نمایشنامه «اندر حکایت ناکامی ببری خان» نوشته نوشین تبریزی و با کارگردانی مشترک سلما محسنی اردهالی حضور دارد.

در دوران دانشگاهی گروهی تشکیل دادیم که دغدغه اصلی مان کار عروسکی بود. با عروسک می‌شود کارهای بزرگی انجام داد. عروسک محدودیت ایجاد نمی‌کند. عروسک در بسیاری از جاها بهتر از بازیگر عمل می‌کند و مفاهیم را به مخاطب انتقال می‌دهد. عروسک بخشی از زندگی من است، باعث شده که تصویر خیال‌انگیزی از وقایع داشته باشم، ضمن اینکه تئاتر عروسکی در تمام دنیا مخاطب خاص خودش را دارد. تئاتر در ایران ساختار دولتی دارد، چراکه سالن‌ها اکثرا دولتی است. تئاتر عروسکی یک نیاز انکارناپذیر برای مخاطب است. به نوعی در اروپا توجه بیشتری به این رشته تئاتر دارند و در ایران یقینا به توجه بیشتری نیاز دارد.